



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۴/۲۴



م. اسحاق نگارگر

تجربید انسان



وiliam بلیک شاعر انگلیسی که از ۱۷۵۷ تا ۱۸۲۷ میلادی میزیست در روزگار خود بسیار مشهور نبود اما امروز از چهره های تأثیرگذار ادبیات انگلیسی است.

او مشربی عارفانه داشت و این مشرب را در عیسویت حاکم روزگار خود نمیدید و از ازدواج بهشت و دوزخ صحبت میکرد. دو نقل قول او مشهور است که میگفت: «زندان را از سنگ های قانون ساخته اند و خانه های فساد را از خشت های مذهب!» و دوم نیز این که:

«چنانکه حلزون زیباترین برگ را برای تخم گذاری برمیگزیند؛ کشیش نیز بر بهترین خوشی ها نفرین خو در میگذارد.» به هر صورت از وی شعر زیر عنوان «تصویر الهی» خوانده و به دری ترجمه کرده بودم. او در آن شعر می گفت که مروت؛ عذوفت؛ عشق و صلح عطای خدا به انسان است و در هر قلب که این چهار وجود داشته باشد در آن قلب (تصویر الهی – دیواین ایچ) وجود دارد و اینک به شعری دیگر از او زیر عنوان تجربید انسان برخوردم.

بلیک در این شعر از «عشق خود بین – سلفش لوو» صحبت میکند و میگوید ممکن است آن چهار صفت در قلب باشد ولی اسیر «عشق خویشتن بین» که به تعریف عرفای مسلمان همان عقل یا عشق مصلحت بین است گردد و درخت ریاکاری و فریب را در قلب غرس کند و زاغ حرص در سایه آن لانه ببندد و انگیزه تواضع و انسان مداری ما ناشی از عشق خویشتن بین ما باشد.

او میگوید: «اگر در جهان کسی غریب نباشد و مورد ظلم قرار نگیرد مروت و عذوفت به درد هیچ کس نمی خورد و متاع زاید و بی خریدار میشود. نخست شعر را به انگلیسی از نظر بگذرانید:

The Human Abstract
Pity would be no more
If we did not make some body poor,
And Mercy no more could be
If were as happy as we.

And mutual fear brings peace,
Till the selfish loves increase;
Then Cruelty knits a snare,
And spread his baits with care;

He sits down with holy fears,
And water the ground with tears;
Then Humility takes its root
Underneath his foot.

Soon spreads the dismal shade
Of Mystery over his head;
And caterpillar and fly
Feed on the Mystery.

And it bears the fruit of Deceit,
Ruddy and sweet to eat,
And the Raven his nest has made
In its thickest shade.

The Gods of earth and sea
Sought thro' Nature to find this Tree;
But their search was all invain;
There grows one in the Human Brain) .William Blake (۱۷۹۴

واین هم ترجمه شعر به زبان دری:



تَرْحُمَ را نشانی نیست هرگز نباشد گر سزاوار تَرَ حُمِ عطوفت نیز مضمونی ندارد اگر شادان بُود بیچاره مرْدُم

** * ** * ** * **

اگر از همدگر انسان نترسد نهالِ صلح هم خُشکد درین باغ
ستم دام خودش می بافد هر سو نهاده طعمه ها از درد و از داغ
برای گاو «عشق خویشتن بین»
علفزارِ عطوفت است چون راغ

** * **

کُند این «عشق خودبین» مایه ترس زمینِ قلب ها را آبیاری
که در پایش درختان تواضع بگِیرد ریشه انسان متداری
بیفتد کِرم دلتنگی و افسون به جان ریشه های رازداری
همانا این مگس وین کِرم تزویر
خورند هر دم غذای راستکاری

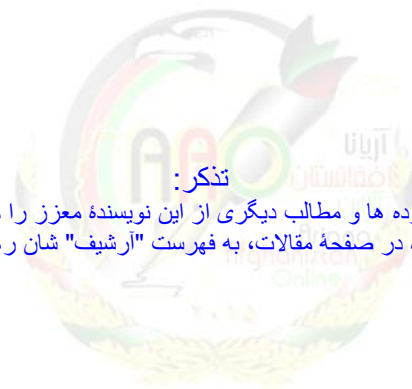
** * **

درختانِ تواضع را تو بینی که آرد میوه افسون و نیرنگ
بیارد میوه خوشرنگ و شیرین بسوی خویش زاغ حيله و جنگ
ببندد آشیان در سایه شاخ
که آرد ساز افسون را به آهنگ

** * **

بیارد میوه خوشرنگ و شیرین خدایان به بحر و بر توانمند
بسی جستند هر سو آن درختان ولی از جست و جو سودی نبردند
که نبود نخل جز در مغز انسان

(مترجم: نگارگر)



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیک"ی بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

تجريد انسان

isak_nagargar_tadjrid_enssaan.pdf